

آشنایی با پژوهش‌های انجام شده توسط آموزگاران برنامه‌ی درسی پنهان سایه روشن‌های نظام آموزشی

پژوهشی پیرامون برنامه‌ی درسی رسمی علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی
و ارتباط آن با شیوه‌های یادگیری برخاسته از سبک تدریس معلم

اعظم خانی اوشانی

آموزگار پایه‌ی سوم، منطقه‌ی یک تهران

اشاره
انتشار چکیده‌ی پژوهش‌های تربیتی، یکی از وظایف رشد آموزش ابتدایی است. از چند شماره‌ی قبل، این وظیفه را با تغییر ساده‌ای دوباره پی گرفته‌ایم و در نظر داریم خلاصه‌ی پژوهش‌های آموزگاران را منتشر کنیم. آن چه در ادامه می‌آید، پژوهشی است که اعظم خانی اوشانی، برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد علوم تربیتی در رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی انجام داده است. استاد راهنمای ایشان دکتر مهدی دوایی و استاد مشاورشان دکتر اصغر شریفی بوده‌اند. هم‌چنین، نام‌برده برای انجام پژوهش خود از ۱۸ منبع فارسی و ۲۱ منبع انگلیسی بهره برده که به دلیل جلوگیری از طولانی شدن مطلب، مشخصات منابع در دفتر مجله محفوظ است.



کلیدواژه‌ها: شیوه‌های یادگیری، برنامه‌ی درسی قصد شده (رسمی)، برنامه‌ی درسی غیررسمی (پنهان)، سبک تدریس معلم.

سرآغاز

با بررسی کتاب علوم دوره‌ی ابتدایی مشخص شد، رویکردهای متفاوتی در آن مورد توجه قرار گرفته‌اند که هر کدام دیدگاه‌های خاص خود را دنبال می‌کند. این دیدگاه‌ها، هم در چگونگی نگاه به کودکان و هم در نحوه‌ی کار کردن با آن‌ها تأثیر می‌گذارند. اما آن‌چه در این میان، گاه از چشم ریزبین برنامه‌ریزان درسی دور می‌ماند، همان «برنامه‌ی درسی پنهان» است. برنامه‌ی درسی پنهان توسط نیروهای اجرا می‌شود که در شکل‌دهی یادگیری غیررسمی و ارزش‌یابی نشده‌ی دانش‌آموزان، سهم بسزایی دارند. این برنامه‌ی درسی در واقع به هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی که از طریق ارتباطات اجتماعی مدرسه و کلاس درس منتقل می‌شوند، اشاره می‌کند. برنامه‌ی پنهان، استعاره‌ی مناسبی برای توصیف ماهیت سایه‌وار، تصریح نشده و در هم تنیده‌ای از تجربه‌های آموزشی و تربیتی است که در نقطه‌ی مقابل آموزش‌های رسمی قرار می‌گیرد و خود را در تعامل تربیتی آشکار می‌سازد و آثار غیرقابل اغماض خود را برجای می‌گذارد. نتایج حاصل از این پژوهش، کاملاً گواه این مدعاست.

پرسش‌های ویژه

– شیوه‌های یادگیری برنامه‌ی درسی قصد شده‌ی علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی کدام‌اند؟
– شیوه‌های یادگیری برخاسته از سبک تدریس معلم کدام‌اند؟
– چه تفاوتی میان شیوه‌های یادگیری برنامه‌ی درسی قصد شده (رسمی) علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی با شیوه‌های یادگیری برخاسته از سبک تدریس معلم وجود دارد؟
با توجه به اهمیت سؤالات طرح شده و برای دست‌یابی به پاسخ مناسب برای هر یک، تفاوت بین شیوه‌های یادگیری برنامه‌ی درسی قصد شده (رسمی) علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی و شیوه‌های یادگیری برخاسته از سبک تدریس معلم، هدف این پژوهش قرار گرفت. بدین منظور، ۳۶۰ معلم ابتدایی از مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران، به روش تصادفی – خوشه‌ای انتخاب و با روش توصیفی – پیمایشی مورد آزمون پرسش‌نامه‌ی ۲۰ سؤالی قرار گرفتند. این پرسش‌نامه از نوع لیکرت با مقیاس ۵ درجه‌ای بوده است. نتایج حاصل از پژوهش، جالب توجه و بعضاً غیرمنتظره بوده است که پس از شرح توضیحات رویکردهای برنامه‌ی درسی ارائه خواهد شد.

کارکرد دیدگاه‌ها

در دیدگاه‌های موجود، برنامه‌ی درسی کارکردهای گوناگون دارد:

– در شفافیت بخشیدن به رویکرد مورد استفاده‌ی معلمان در یاددهی – یادگیری به آن‌ها کمک می‌کند و جزء جدایی‌ناپذیر فرایند تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها را فراهم می‌سازد. باید دقت شود تا برنامه‌ی درسی به رویدادی تهی که هرگز با دانش‌آموزان ارتباط برقرار نمی‌کند، تبدیل نشود.
– انتخاب و به‌کارگیری شیوه‌های تدریس، یکی از راه‌های تأثیرگذاری معلم بر جریان تعلیم و تربیت و ایجاد اصلاحات آموزشی در روند یاددهی – یادگیری است.

انواع رویکردها

رویکرد رفتاری: این رویکرد، با روش‌های خاص یادگیری سروکار دارد که به رفتاری مشخص منجر می‌شوند. بنابراین مهم‌ترین دل‌مشغولی معلم، شکل دادن به رفتار دانش‌آموزان است و محیط باید به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که دانش‌آموزان با محرک‌های مناسب روبه‌رو شوند.

رویکرد موضوعی: این رویکرد، بر موضوع‌های درسی، شیوه‌ی تکوین و سازمان‌دهی آن‌ها تأکید می‌کند و از بسیاری جهات، در اغلب مدرسه‌ها، اولویت نخست با این دیدگاه است. رویکرد موضوعی در شکل‌دهی به ساختار کل برنامه‌ی درسی نقش دارد.

رویکرد اجتماعی: این رویکرد تأکید اولیه‌ی خود را بر تجربه‌ی اجتماعی و گاهی اوقات بر انتقال فرهنگی قرار می‌دهد. به این صورت که برنامه‌ی درسی عاملی برای جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموز در می‌آید و از آن انتظار می‌رود، ارزش‌ها و سنت‌های موجود جامعه را در دانش‌آموز جدی سازد.

رویکرد شناختی: این رویکرد ریشه در روان‌شناسی شناختی دارد و کانون اصلی توجه خود را رشد تقویت مهارت‌های شناختی قرار می‌دهد. برنامه‌ی درسی فرایندی است که بر مشاهده، تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و سایر مهارت‌های ذهنی تأکید می‌ورزد.

رویکرد رشدگرا: این رویکرد حول این محور سازمان یافته است که کودکان مراحل مشخص و مجزایی از رشد شخصیت، شناختی و اخلاقی را پشت سر می‌گذارند. کانون توجه این دیدگاه، تسریع جریان رشد نیست، بلکه هدف محقق ساختن اندیشه‌ی تلفیق رشد در ابعاد گوناگون از قبیل شخصیتی، اخلاقی، شناختی و جلوگیری از پیشرفت و یا توقف در جریان رشد است.

رویکرد انسان‌گرایانه: این دیدگاه اهمیت شکوفایی فردی را در کانون توجه خود قرار داده است.

بحث و تفسیر

یافته‌های حاصل از پرسش اول پژوهش نشان می‌دهد، رویکرد موضوعی بیشتر از حد متوسط، رویکردهای رفتاری و اجتماعی کمتر از حد متوسط و رویکردهای شناختی و رشدگرا در حد متوسط مد نظر برنامه‌ریزان درسی بوده است. یافته‌های حاصل از پرسش دوم پژوهش نشان می‌دهد، استفاده از رویکردهای رفتاری و موضوعی کمتر از حد متوسط و سایر رویکردها بیشتر از حد متوسط در سبک تدریس معلمان ابتدایی گنجانده شده است. نتیجه‌ی حیرت‌انگیز، یافته‌های حاصل از پرسش سوم پژوهش است که نشان می‌دهد، فقط در رویکرد رفتاری بین شیوه‌های یادگیری برنامه‌ی درسی قصد شده (رسمی) و شیوه‌های یادگیری برخاسته از سبک تدریس معلم، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و در سایر رویکردها، به عکس تفاوت معنادار مشاهده می‌شود، یعنی آن‌چه برنامه‌ریزان درسی خواسته‌اند، حاصل نشده است. به راستی چرا؟!

برنامه‌ی درسی پنهان (غیررسمی)

جامعه‌شناسان، پژوهشگران آموزش و پرورش و روان‌شناسان، غالباً این مفهوم را برای توصیف نظام غیررسمی مدرسه به کار می‌برند. برنامه‌ی درسی پنهان نه در جایی نوشته شده است و نه معلمی آن را درس می‌دهد، بلکه محیط آموزشی مدرسه، با تمام خصوصیاتش، آن را آموزش می‌دهد. صرف‌نظر از این که معلمان مدرسه تا چه اندازه متبحر و شایسته‌اند، یا برنامه‌ی درسی تا چه حد پیشرفت کرده است، دانش‌آموزان در جریان آموزش‌هایی قرار می‌گیرند که هیچ‌گاه سخنی از آن‌ها در میان نبوده است. آن‌ها تحت تأثیر برنامه‌ی درسی پنهان مدرسه، به مرور رویکرد خاصی نسبت به زندگی و نگرش خاصی نسبت به تحصیل و یادگیری پیدا می‌کنند. در حقیقت، در مدرسه‌هایی نامرئی، فرزندان یک کشور از طریق ارتباط با یکدیگر، اطلاعات را دریافت می‌کنند و در جریان تعلیم و تربیت ویژه‌ای قرار می‌گیرند، که به طور معمول برنامه‌ریزی و از پیش تعیین نشده است. در این مدرسه‌های نامرئی، فقط تبادل اطلاعات صورت نمی‌پذیرد، بلکه کار تربیت دانش‌آموزان نیز انجام می‌گیرد، یعنی هم اطلاعات رد و بدل می‌شوند، هم تشویق و تنبیه وجود دارد و هم عواطف و احساسات مبادله می‌شوند. خلاصه آن‌که برنامه‌ی پنهان در کنار و حتی در مقابل برنامه‌ی رسمی، به ایجاد تغییر در شخصیت دانش‌آموزان منجر می‌شود.

امروزه تقریباً بر هیچ‌کس پوشیده نیست که کارکرد اصلی برنامه‌ی درسی پنهان، کنترل و نظارت اجتماعی است. دانش‌آموزان در مواجهه

با برنامه‌ی درسی پنهان، موقعیت خود را تشخیص می‌دهند و به نحوی با آن سازگار می‌شوند. به عبارت دیگر، مدرسه از طریق شیوه‌های یادگیری برنامه‌ی درسی قصد شده یا رسمی، به بازآفرینی طبقه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان می‌پردازد و آن‌ها را برای پذیرش موقعیت اجتماعی آینده‌شان آماده می‌سازد. آن‌ها از این طریق می‌آموزند که بپذیرند، نظام سیاسی - اقتصادی موجود، صرف‌نظر از این که خود در آن در چه موقعیتی قرار دارند، بهترین است. برنامه‌ی درسی پنهان، راه و روشی برای درونی کردن باورها و ارزش‌هاست. این برنامه به کودکان می‌آموزد، نقش آن‌ها در زندگی این است که موقعیت خود را تشخیص دهند و با آن بسازند.

زیرنویس

1. Hidden Curriculum

